

میر اگر کسی حدیث بخواند و بر آن عمل از جنین بلاها برهد
 میر باید که از سوا خلاص بود و پیامورد و بر آن عمل کند چه
 سعادت های ابدی خواهد یافت و هر کس که مدد طالب علم شد
 از بسی بلاها خلاص شود و الله سبحانه و تعالی از هر که حدیث
 مصطفوی صلوات الله علیه او را نگاه دارد **تقلست** که خوا
 مری رحمه الله علیه روزی در صحرائی میگذشت عقرب را
 دید که بتعجیل میرفت تا بکنار آب میرسد و زخمی دید
 که از آن آب بد آمد میر این عقرب بد پشت آن وزخ سوار شد
 و بر آن طرف آب رفت میر ذوالنون از پی او رفت دید که
 عقرب از پشت وزخ بر زمین جفت و میزدید میر ذوالنون
 دانست که در اینجا سرنیست میر میرفت تا بیای در ختی رسید
 جوانی دهنش از عقرب میوم خواب بود و من از عقبا و رفتم
 و چون رسید ماری عظیم از رخت فرو آمد تا قصد آن جوان
 کند و چون بترید که آن جوان رسید عقرب فی الفور عقرب
 دوید و بر آن ماری زخمی زد و مار برود و زود باز گشت و بر پشت

همان وزخ

همان وزخ سوار شد و بر آن طرف رفت میر ذوالنون باز آمد
 آن جوان از خواب بیدار کرد ذوالنون گفت بین نگاه کرد
 ماری عظیم افتاده میر جوان در قلم ذوالنون افتاد
 میر فرمود که این مار قصد تو داشت میر الله سبحانه و تعالی عقرب
 فرستاد و او را بکشت بلکه تو درین چند روز چه عمل نیکو کنی
 میر جوان گفت من عمل نیک ندارم اما در روز در راهی میمانم
 و طالب علمی بنیستنه هنرم خریدم بود و در پیش روی افتاده بود
 و سخت متحیر بود من با خود فکری کردم که این باوی بردارم
 و بخانه او برم میر برداشتم و بخانه او بردم این قلعه میدانم
 میر ذوالنون حدیثی بروی خواند که هر که معاوئه برادر سلمان
 کند در آنجا که در مانده باشد میر الله سبحانه و تعالی هم بفریاد او رسد
 میر هر کس که معاوئه طالب علمی کند لاجرم او را از بلاهای
 نگاه دارد و ثواب آخرتش نیز باشد **دیگر بد آنکه** آنچه در کتب
 که حدیث صحیح است شش راست اول صحیح بخاری
 و مسلم و ترمذی و نسائی و دارمی و ابن ماجه و مؤلفی